

کتاب جمع‌بندی علوم و فنون ادبی دوم و یازدهم محک

دکتر کامران شاه مرادیان

تو گر عمرت هدر دادی همه را گر تو پر دادی
مده بر باد باقی را که حکمی چون گهر دارد
تو را باید محک باشد به راهت آن کمک باشد
وگرنه سسکه جعلی تو پنداری که زر دارد



به نام خداوند جان و خرد

کریم برتر اندیشه برنگذرد

دانش‌آموزان پایه دوازدهم که مایل به ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی کشور هستند، از یک سو باید مطالب کلاس دوازدهم را دقیق و خیلی عمیق فراگیرند و از سوی دیگر کتاب‌های پایه‌ای قبلی خود را مرور نمایند.

کتاب‌های جمع‌بندی دهم و یازدهم محک (مرور حرفه‌ای کنکور) برای این‌گونه دانش‌آموزان کمک بزرگی است. دانش‌آموزان می‌توانند برای مرور مطالب پایه‌های قبلی، در تابستان و قبل از شروع سال تحصیلی جدید، از این کتاب‌ها استفاده کنند.

ما در انتشارات مبتکران برای شما که هدف‌تان قبولی در دانشگاه‌های ممتاز و معتبر کشور است، مجموعه کتاب‌های جمع‌بندی را به کمک مؤلفان و مدرّسان برگزیده تألیف کرده‌ایم. کتابی که پیش‌رو دارید «کتاب جمع‌بندی علوم و فنون ادبی دهم و یازدهم محک» با ویژگی‌های زیر تألیف شده است:

۱. ارائه درس‌نامه خلاصه به همراه نکته‌های مهم تستی و کنکوری برای مرور مطالب پایه‌های دهم و یازدهم.

۲. بررسی پرسش‌های کنکورهای سراسری

۳. ارائه آزمون‌های تألیفی برای آمادگی بیشتر دانش‌آموزان در آزمون‌ها

۴. ارائه پاسخ‌نامه تشریحی کامل به همراه نکته‌های تستی

دانش‌آموزان عزیز می‌توانند با مطالعه این کتاب در فرصت تابستان، مطالب علوم و فنون ادبی دهم و یازدهم را مرور کرده و خود را برای آزمون‌های آزمایشی و سال دوازدهم آماده کنند.

در پایان وظیفه خود می‌دانیم از مؤلف محترم کتاب، آقای دکتر کامران شاه‌مرادیان و از دبیر محترم مجموعه تشکر کنیم.

همچنین از خانم‌ها سمیه بهرامی، سکینه مظاهری (حروف‌چین و صفحه‌آرا)، بهاره خدای (گرافیک)، زهرا گودرز (طراح جلد)، شیوا خوش‌نقش (نمونه‌خوان) و مژگان شاه‌مرادیان (ویراستار) سپاسگزاریم.

انتشارات مبتکران

فصل یکم: کلیات

- درس (۱) مبانی علوم و فنون ادبی ۸ درس (۲) بررسی و طبقه‌بندی آثار ۱۱
 درس (۳) کالبد شکافی متن (۱) شعر ۱۳ درس (۴) کالبد شکافی متن (۲) نثر ۱۶

فصل دوم: تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

- درس (۵) زبان و ادبیات پیش از اسلام ۲۰ درس (۶) شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی ۲۳
 درس (۷) سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی) ۲۵ درس (۸) ادبیات و زبان فارسی در سده‌های پنجم و ششم ۳۱
 درس (۹) سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی) ۳۵ درس (۱۰) تاریخ ادبیات ایران در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم ۳۹
 درس (۱۱) سبک عراقی ۴۵ درس (۱۲) تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم ۵۰
 درس (۱۳) سبک هندی ۵۴

فصل سوم: موسیقی شعر

- درس (۱۴) سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی ۶۲ درس (۱۵) هماهنگی پاره‌های کلام ۶۸
 درس (۱۶) قافیه ۷۳ درس (۱۷) وزن شعر فارسی ۷۸
 درس (۱۸) پایه‌های آوایی شعر ۸۴ درس (۱۹) پایه‌های آوایی همسان (۱) ۸۹
 درس (۲۰) پایه‌های آوایی همسان (۲) ۹۴ درس (۲۱) پایه‌های آوایی همسان (۳) ۱۰۰

فصل چهارم: زیبایی‌شناسی

- درس (۲۲) تشبیه ۱۱۲ درس (۲۳) مجاز ۱۱۷
 درس (۲۴) استعاره ۱۲۰ درس (۲۵) کنایه ۱۲۵
 درس (۲۶) واج‌آرایی، واژه‌آرایی ۱۲۸ درس (۲۷) سجع و انواع آن ۱۳۲
 درس (۲۸) موازنه و ترصیع ۱۳۵ درس (۲۹) جناس و انواع جناس ۱۳۹
 پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۴۲ پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای ۱۶۱

فصل یکم: کلمات



- درس (۱): مبانی علوم و فنون ادبی
درس (۲): بررسی و طبقه‌بندی آثار
درس (۳): کالبد شکافی متن (۱) شعر
درس (۴): کالبد شکافی متن (۲) نثر



می‌دانیم که درک مناسب هر علمی نیازمند آشنایی با مبانی و اصول و یک سری قواعد و اصطلاحات آن علم می‌باشد؛ از این رو جهت شناخت فنون ادبی لازم است با اصول و مبانی این علم و تعداد قابل توجهی از اصطلاحات آن آشنا شویم. مهم‌ترین اصطلاحات مرتبط با علوم و فنون ادبی در این کتاب: متن، ادب، ادبیات، فصاحت و بلاغت.

متن چیست؟

به‌طور کلی هر عاملی که ذهن ما را به فعالیت و پویایی درآورد، متن است. بنابراین مقصود کلی از متن، تنها نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست؛ بلکه صداهایی که شنیده می‌شوند، بویی که احساس می‌شود، رویدادی که دیده می‌شود، مزه‌ای که چشیده می‌شود، هر چیزی که لمس می‌شود؛ همه و همه، متن به حساب می‌آیند. پس متن‌ها شنیداری، بویایی، دیداری و ... نیز هستند؛ مثل کتاب که معمولاً دیداری به شمار می‌آید؛ اگر خوانده شود، به آن متن شنیداری یا خوانداری هم می‌گوییم. در این کتاب، مقصود از متن، آثار شعر و نثر فارسی است.

ادب

امروزه در زبان فارسی، اصطلاح ادبیات در معانی زیر به کار می‌رود:

۱. مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا حرفه‌ای رواج می‌یابد؛ مانند ادبیات پزشکی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و ادبیات سیاست. در این نوع کاربردها، ادبیات به معنی آداب و هنجار رایج در این زمینه‌هاست.
۲. تمام آثار مکتوب و هر نوع نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری تعلق داشته باشد، ادبیات شمرده می‌شود. در این تعریف، متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته نیز جای می‌گیرند. براساس این تعریف، متون علمی قدیم نیز در زمره آثار ادبی کهن قرار می‌گیرند.
۳. ادبیات، مجموعه نوشته‌هایی است که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند. در این تعریف، تنها ادبیات مکتوب جای می‌گیرد؛ ولی ادبیات شفاهی مانند افسانه‌ها، حکایات، مثل‌ها و ترانه‌های متداول بین مردم نیز، میراث گران‌بهای ادبی به شمار می‌روند.

نکته: در این کتاب، بیش‌تر به ادبیات مکتوب می‌پردازیم و در یک تعریف روشن‌تر می‌گوییم: ادبیات، هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است. پس ادبیات هم یکی از انواع هنرهاست؛ ماده اصلی ادبیات، زبان است؛ به بیان دیگر، ادبیات کاربرد هنرمندانه زبان است. تفاوت عمده ادبیات و زبان، در هدف آن دو است. هدف زبان، ارتباط و پیام‌رسانی است در حالی که هدف ادبیات، زیبایی آفرینی است. ضمناً بر مبنای منطق حاکم بر زبان، هر کلمه، معنای قراردادی و مشخصی دارد؛ جمله‌ها نیز ساختمان، اصول و قواعدی دارند؛ اما ادبیات به راحتی و به کمک تخیل می‌تواند منطق حاکم بر زبان را در هم بریزد؛ یعنی هم واژه را از معنای قراردادی آن خارج می‌کند و هم منطق معنایی جمله را متحول می‌کند. ادبیات به کمک زیبایی‌ها و شگردی‌های هنری مانند تشبیه، استعاره، مجاز،

کنایه، در آمیختن حس‌ها، اغراق و ... (آرایه‌های ادبی) به زبان، نقشی هنری می‌بخشد. البته از تکرار موسیقایی آواها و عواطف و احساسات هم‌استفاده می‌کند. ادبیات سخنی تأثیرگذار و بلیغ یا رساست که با قرار گرفتن در ذهن شنونده، او را برمی‌انگیزد. سخن رسا و بلیغ دو ویژگی دارد: فصاحت و بلاغت.

فصاحت

فصاحت به معنی وضوح، روشنی و درستی کلمه یا کلام، در اصطلاح، بیان مقصود است با الفاظی واضح و روان که خالی از عیب‌هایی مانند حروف و کلمات دشوار، و سنگین، بدآهنگ و ناموزون، پیچیده و مبهم باشد و معنی آن به راحتی درک شود.

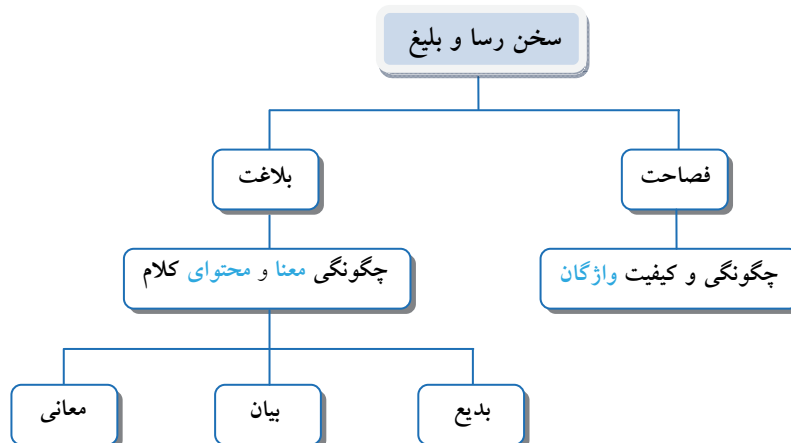
بلاغت

بلاغت به معنی رسایی کلام، چیره‌زبانی و شیوایی سخن است و در اصطلاح، سخن گفتن به اقتضای حال مخاطب و جایگاه، یا مطابقت سخن با موقعیت است؛ یعنی هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد. گاهی اطناب پسندیده است و گاهی ایجاز مناسب است. هم‌چنان که مولوی در این بیت فرموده است:
چون که با کودک سروکارت فساد هم، زبان کودکی باید گشاد

نتیجه می‌گیریم که فصاحت به چگونگی و کیفیت کلمات برمی‌گردد و بلاغت هم فصاحت را در نظر دارد و هم به چگونگی معنا و محتوایی کلام توجه می‌کند؛ به تعبیر دیگر، فصاحت جنبه‌های ظاهری سخن را می‌بیند و بلاغت معنی و محتوای کلام را می‌سنجد، علم بلاغت سه شاخه دارد: بدیع، معانی و بیان. در درس‌های آتی با این اصطلاحات بیش‌تر آشنا خواهیم شد.



۱. نمودار زیر را با توجه به آموزه‌های درس کامل کنید.



۲. با توجه به عبارت زیر دو متن (الف و ب) را بررسی کنید.

«هدف زبان، ارتباط و پیام رسانی است؛ هدف ادبیات، زیبایی آفرینی»

الف) ماه، یکی از سیارات منظومه شمسی است؛ اگر چه خود تیره و بی نور است اما در شب، نورانی است. پهنه تاریک آسمان در ظلمت شب به نور ستارگان و تالو ماه روشن می شود.

ب) شب آغاز شده است، در ده چراغ نیست؛ شبها به مهتاب روشن است و یا به قطره های درشت و تابناک باران ستاره، مصابیح آسمان.

شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش برویم، از دستش داده ایم! لطافت زیبای گل در زیر انگشت های تشریح می پز مرد!
(دکتر علی شریعتی)



الف) نویسنده در این متن، پیام خود را که همانا توضیح بخشی از ویژگی های علمی ماه است، به مخاطب اعلام می کند و هدف اصلی مقوله زبان را به اجرا درآورده است. پس این متن یک متن زبانی است.

ب) نویسنده در این متن صرفاً پیامی را از مقوله های زبانی به مخاطب القا نمی کند بلکه در پی خلق و آفرینش زیبایی های ادبی است از جمله می توان به زیبایی هایی مثل: تشبیه خودنمایی و سوسوی ستارگان به باران؛ یا تشبیه ستارگان به چراغ های آسمان اشاره کرد. آرایه تشخیص نیز در متن به چشم می خورد: شکوه و تقوا که از داشته های انسانی است، به خورشید نسبت داده است. در مجموع، متن این قسمت کاملاً هنری و ادبی است.



همان‌طور که می‌دانیم تحلیل هر متن ادبی - اعم از نثر و نظم - را از چند دیدگاه می‌توان مطالعه کرد و با بررسی دقیق و موشکافانه آن را کالبد شکافی کرد؛ برای دستیابی به این منظور می‌توان متن را از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، زبانی، اخلاقی، محیطی، فکری، تاریخی، روان‌شناختی، ادبی و ... بررسی نمود. اکنون از بین دیدگاه‌های موجود سه دیدگاه را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. قلمرو زبانی ۲. قلمرو ادبی ۳. قلمرو فکری

برای درک بهتر این موضوع به توضیح نموداری این سه دیدگاه توجه کنید:

دیدگاه‌های تحلیل متون شعر

۱. قلمرو زبانی

الف: سطح واژگانی } ساختمان واژگان (ساده، مشتق، مرکب، مشتق - مرکب)
کاربرد لغات فارسی یا بیگانه (عربی، ترکی، مغولی و...)
روابط معنایی کلمات مثل: مترادف، تضاد، تضامن و تناسب

ب: سطح دستوری (نحوی) } کوتاهی و بلندی جمله‌ها
کاربردهای دستور تاریخی

۲. قلمرو ادبی

الف) سطح بیانی: توجه به زیبایی‌های بیاتیمثل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه
ب) سطح آوایی با موسیقایی بدیع معنوی: توجه به زیبایی‌های بدیع لفظی
مثل واج آرایی، تکرار، سجع، جناس و...
ج) سطح بدیع معنوی: توجه به زیبایی‌های بدیع معنوی
مثل تضاد، مراعات‌النظیر، حس‌آمیزی و...

در این مرحله، متن از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش به جهان و دیگر جنبه‌های فکری، مانند موضوع‌های زیر، بررسی می‌شود:

۳. قلمرو فکری:

- عینی، ذهنی
- شادی‌گرا، غم‌گرا
- خردگرا، اختیارگرا
- جبرگرا، اختیارگرا
- عرفانی، طبیعت‌گرا
- خوش‌بینی، بدبینی



- فلسفی، روان‌شناختی

- محلی، میهنی، جهانی

- و...

آثار ادبی (شعر و نثر) را از دو دیدگاه کلی هم می‌توان طبقه‌بندی کرد:

الف) براساس محتوا و موضوع **ب)** بر اساس ساختمان و شکل

خوارزبانی

۱. با توجه به قلمرو زبانی و سطوح آن، نوشته زیر را بررسی نمایید.

«اسطوره، در لغت به معنی افسانه و قصه است و در اصطلاح به قصه‌ای اطلاق می‌شود که ظاهراً منشأ تاریخی نامعلومی دارد. مضمون اساطیر، معمولاً آفرینش انسان، خلقت جهان، جنگ‌ها و نبردهای اقوام، سرگذشت خدایان، قهرمانان دینی و ... است. زال، اسکندر، رستم، سیمرغ، رخس و ... از اساطیر ایرانی هستند.»

(غلامحسین یوسفی)

پایخ:

الف) در سطح واژگانی:

واژگان عربی موجود در این متن: اسطوره، لغت، قصه، اصطلاح، اطلاق، ظاهراً، منشأ، معلوم، مضمون، اساطیر، معمولاً انسان، خلقت، اقوام
رابطه ترادف بین دو واژه «قصه» و «افسانه» و البته بین دو واژه «آفرینش» و «خلقت» دیده می‌شود.

ب) در سطح دستوری (نحوی):

بلندی جمله‌ها در متن مشاهده می‌شود. مثل جمله آخر

۲. با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را درباره محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

آب را گل نکنیم

در فرودست انگار، کفتری می‌خورد آب

یا که در بیشه دور، سیره‌ای پر می‌شوید

یا در آبادی، کوزه‌ای پر می‌گردد.

آب را گل نکنیم؛

شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فروشوید اندوه دلی؛

دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب ...

(سهراب سپهری)

پایخ:

شاعر، بسیار عینی و واقع‌گرا دست به خلق تصویرسازی کرده است.

معشوق او زمینی است.

حکمت و پند و اندرز در این شعر موج می‌زند.

شاعر با خوشبینی تمام توصیه به واقع‌بینی می‌کند.

إِنَّ أَلَمَاءَ أَوَّلٍ مَا خَلَقَ اللَّهُ. «آب اوّلین چیزی بود که خداوند آفرید»



کالبد شکافی متن (۱) شعر

همان‌طور که در مبانی علوم و فنون ادبی اشاره شد، مقصود از «متن» در این کتاب، فقط آثار مکتوب ادبی است که در یک نگاه کلی، این متون به دو بخش تقسیم می‌شود:

شعر }
متون آثار مکتوب }
نثر }

اکنون تلاش می‌کنیم برای دستیابی بهتر به نتایج آموخته‌های درس‌های پیشین، با تدوین و تبیین یک چهارچوب منطقی به صورت گام‌به‌گام، طرحی پیشنهادی را ارائه دهیم. طراحی این گام‌ها به ترتیب زیر است:

۱. خوانش متن
۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی
۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی
۴. شناسایی و استخراج نکات فکری
۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

اکنون با بررسی شعر زیر از الهی‌نامه عطار نیشابوری، سیر مراحل پنج‌گانه این طرح را در

شعر نشان می‌دهیم:

به روبه بازی اندیشید در راه
دهد حالی به گاژر پوستینم
زبیم جان، فرو افکند تن را
نمی‌یارسد روبه را کم انگاشت
که گوش او به کار آید مرا نیک
چو زنده مانده‌ای، یک گوش، کم گیر
زبان او به کار آید مرا هم
نکرد از بیم جان، یک ناله روباه
به کار آید همی دندان او نیز
به سختی چند دندانش بکنند
نه دندان باش و نه گوش و زبانم
دل روبه، که رنجی را به کارست
جهان بر چشم او شد تیره، آن‌گاه
کنون باید به کارم حیل‌سازی
کنون باید به کارم حیل‌سازی
بجست از دام، هم‌چون از کمان، تیر
که در عالم، حدیثش در گرفته است

(عطار نیشابوری، الهی‌نامه)

به دام افتاد روباهی سحرگاه
که گر صیاد بیند همچینم
پس آن‌گاه، مُرده کرد او خوشتن را
چو صیاد آمد، او را مرده پنداشت
زبُن بُرید حالی گوش او لیک
به دل، روباه گفتا: ترکِ غم گیر
یکی دیگر بیامد، گفت: این دم
زبانش را بُرید آن مرد، ناگاه
دگر کس گفت: ما را از همه چیز
نرزد دم، تا که آهن درفکند
به دل، روباه گفتا: گر بمانم
دگر کس آمد و گفت: اختیار است
چو نام دل شنید از دور، روباه
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی
به دل می‌گفت: با دل نیست بازی
بگفت این و به صد داستان و تزویر
حدیث دل، حدیثی بس شگفت است



❁ اکنون به بررسی گام‌های پنج‌گانه متن فوق می‌پردازیم:

الف) خوانش شعر

نخستین قدم مؤثر برای رویارویی و شناخت متن، خوانش صحیح آن است. لازم است قبل از خوانش، با یک نگاه کلی لحن و آهنگ آن را تشخیص دهیم؛ پس از شناسایی لحن مناسب با حال و هوای اثر، خواندن اتفاق می‌افتد. دقت داشته باشیم که لازم است تمام اثر، یک‌باره و بدون وقفه، خوانده شود تا درک ارتباط طولی و فهم محتوا دچار اختلال نشود.

ب) شناسایی و استخراج نکات زبانی

بعد از خوانش دقیق شعر، عینک زبانی به چشمان خود زده و شعر را دوباره بازخوانی می‌کنیم و نکات برجسته قلمرو زبانی را شناسایی و دسته‌بندی می‌کنیم؛ مثلاً برخی از نکات زبانی شعر عطار: عبارت‌اند از:

- ❁ وجود واژگان کهن مانند «گازر»، «نمی‌یارست»
- ❁ کمی واژگان غیرفارسی
- ❁ کاربرد شبکه معنایی؛ مانند «حیله، دستان، تزویر، دام» و «دل، زبان، گوش و دندان»
- ❁ ترکیب‌سازی؛ مانند «روبه باز»، «حیله‌سازی» حقه‌بازی
- ❁ کاربردهای تاریخی دستور: «مُرده کرد»، «نمی‌یارست ... کم‌انگاشت»، «به کار آید همی»
- ❁ سادگی و کوتاهی جمله‌ها: مانند «به دام افتاد روباهی سحرگاه»، «به روبه‌بازی اندیشید در راه» و ...
- ❁ بیش‌تر کلمات شعر، ساختمان ساده دارند: دام، روباه، صیاد، گازر، گوش، دل، زبان و ...
- ❁ زبان شعر، ساده و روان است و پیچیدگی ندارد.
- ❁ به کارگیری واژگان به صورت مخفف: روبه، گر، آن‌گه، ز، دگر
- ❁ حذف «می» در مضارع اخباری، مانند «دهد» به جای «می‌دهد»
- ❁ و ...

ج) شناسایی و استخراج نکات ادبی

در این مرحله، عینک‌زیبایی‌شناسی به چشم می‌زنیم و شعر را یک‌بار دیگر بررسی می‌کنیم و به نکات ادبی زیر، دست می‌یابیم:

- ❁ از قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع هر بیت، می‌فهمیم که قالب شعر «مثنوی» است.
- ❁ «ترک غم گرفتن»، «دم نزن» و «جهان بر چشم او تیره شدن» کنایه است.
- ❁ «بجست از دام، هم‌چون از کمان، تیر» تشبیه و مراعات‌النظیر دارد.
- ❁ به کارگیری ردیف در برخی اشعار برای افزایش موسیقی شعر، مثل (را) در بیت سوم
- ❁ به کارگیری آرایه تکرار؛ واژه «حدیث» در آخرین بیت، سه بار تکرار شده و سبب افزایش موسیقی شعر شده است.
- ❁ مراعات‌النظیر: به کار بردن کلمات زبان، گوش، دل، جان و دندان که از اعضای بدن هستند.
- ❁ تضاد: به کارگیری جان و تن در تضاد با هم
- ❁ و ...

د) شناسایی و استخراج نکات فکری

از مقایسه اجزای بدن (گوش، زبان، دندان) با «دل» و برتری دادن دل به همه اجزا در این شعر، به این نکته پی می‌بریم که شاعر «دل» را جایگاهی با اهمیت می‌داند و به همین سبب می‌گوید: «با دل نیست بازی» و بعد از این در بیت پایانی، نتیجه‌گیری عرفانی شاعر آشکار می‌شود.

این شعر اگرچه ظاهری ساده و داستانی دارد، اما پایان‌بندی و نتیجه‌گیری شاعر، بیانگر ذهن خلاق اوست که یک نکته عمیق معرفتی درباره ارزش و جایگاه دل را این‌گونه در قالب داستان «روباه و شکارچی» گنجانده است تا بگوید که همه چیز وجود ما دل است و گران‌بهای دل، به سبب این است که خانه و جایگاه خداوند است.

شعر، ظاهری ساده، محسوس و عینی دارد اما نتیجه‌گیری پایانی، مفهومی ذهنی و معنوی است.

ه) نتیجه‌گیری و تعیین نوع

با توجه به این‌که، حکمت و معرفتی در شعر نهفته است و شاعر برای بیان آن، از ظرف داستانی بهره گرفته است؛ در مجموع، این شعر را در رده ادبیات تعلیمی - عرفانی می‌توان جای داد.





همان‌گونه که در درس قبل و در ارتباط با کالبد شکافی شعر، عنوان شد، نخستین گام در رویارویی با متن، ایجاد فرصت برای تفکر و تأمل در سراپای متن است؛ یعنی نباید به محض دریافت یک متن، بلافاصله درباره آن نظر بدهیم؛ بلکه ابتدا باید با آرامش، متن موردنظر را در یک نگاه اجمالی بررسی کنیم. شاید این مرحله را بتوان چشم‌خوانی نامید.

منظور از چشم‌خوانی، عبور دادن چشم با سرعت از میان سطور و نوشته‌های متن نثر و صفحات است. در این مرحله با صفحه‌خوانی، نمای کلی اثر را در ذهن جای می‌دهیم و به آن فکر می‌کنیم که متن درباره چیست، موضوع آن چیست چه ساختاری دارد؛ چند صفحه است، چند بخش یا فصل یا قسمت است؟

لازمه تمام این کارها، آشنایی با ساختمان بیرون متن است؛ برای دستیابی به دنیای متن نثر نیز مانند نظم، باید پنج‌گام زیر را برداریم:

۱. خوانش متن نثر
۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی
۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی
۴. شناسایی و استخراج نکات فکری
۵. نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نکته: در پایه دهم، نگاه به متون نثر به صورت کلی است؛ بنابراین نثر را با همان مراحل بررسی متون شعر، بررسی می‌کنیم؛ در سال‌های آینده، به حسب تنوع و گوناگونی انواع متن‌های نثر، با شیوه‌های دیگر نیز آشنا خواهیم شد.

اکنون متن زیر را که از کتاب کلیله و دمنه انتخاب شده است، با دقت می‌خوانیم و این پنج گام را در آن نشان می‌دهیم:

«چون بشناختم که آدمی، شریف تر خلاق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند. هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش آستر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و پاهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، ازدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود. موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در اثنای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست. پیش خویش، زنبور خانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب بُرد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جلد بلیغ می‌نمایند و ... ، چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.



پس، من دنیا را بدان چاه پُر آفت، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز؛ و آن چهار مار را به طبایع که عمادِ خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد؛ و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند؛ و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیّا نیست».

(کلبله و دمنه، باب برزویه طیب، با اندک تغییر)

🔗 اکنون متن زیر را بر مبنای گام‌های پنج‌گانه، بررسی می‌کنیم:

الف) خوانش متن نثر

با توجه به اهمیت نحوه خوانش، متن را به دقت می‌خوانیم؛ رعایت نشانه‌های نگارشی درون متنی هنگام خواندن، به درک عمیق‌تر متن کمک می‌کند.

ب) شناسایی و استخراج نکات زبانی

🔗 تعدادی از نکته‌های مهم و برجسته قلمرو زبانی این متن را برمی‌شماریم:

- 🔗 کاربردهای کهنی که امروزه، به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند: اُشتر، شاخ، پسودن، شنودن، بنگریست، نتوان دانست.
- 🔗 جمع کلمه «موش» با نشانه «ان».
- 🔗 به کارگیری کلمه «بگسست» در معنی «بریده شد، شکست».
- 🔗 به کارگیری «شهد» در معنی «عسل».
- 🔗 کاربرد کلمه «قاتل» در معنی گُشنده برای غیرانسان.
- 🔗 جدانویسی نشانه منفی ساز فعل «ن»: «نه اندیشید» که امروزه می‌نویسیم: نیندیشید.
- 🔗 کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله: «خلاص خود را طریقی می‌جُست».
- 🔗 ترکیب «زنبورخانه» به معنی «لانه زنبور»، جالب توجه است.
- 🔗 بیش‌تر جمله‌ها در این نمونه، کوتاه و قابل فهم هستند.

ج) شناسایی و استخراج نکات ادبی

- 🔗 شبکه معنایی میان «شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت»
 - 🔗 تضاد میان دو واژه «سیاه و سفید»، «پا و سر» و «سر و قعر» در ترکیب «سر چاه و قعر چاه»، «زهر و شیرینی یا شهد»، «رنج و لذت»، «اندک و بسیار»
 - 🔗 بهره‌گیری از تمثیل برای بیان مفهوم غفلت انسان.
- و ...

د) شناسایی و استخراج نکات فکری

در این حکایت، نگرش حکمی و تعلیمی، برجسته است. نویسنده برای بیان مقصود خود (بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهانی) در جایگاه اندرز، خطاب به خواننده، چند نکته را یادآور می‌شود:

شریف بودن انسان در میان مخلوقات

گران بها بودن لحظات عمر

هوشیاری و پرهیز از خوشی‌های زودگذر

می‌بینیم که این حکایت از یک سو، به جایگاه و ارزش انسان، نگاهی مثبت و خوش‌بینانه دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، نگرش منفی دارد.

ها نتیجه‌گیری و تعیین نوع

نویسنده، این فکر را به خواننده انتقال می‌دهد که:

- نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد.
- قدر لحظه لحظه عمر خویش را بداند.
- هوشیاری خود را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد.
- سعادت و نیک‌بختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.
- بر پایه بررسی‌های انجام شده و تأکید درونمایه اثر، این نوشته را نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی می‌توان به شمار آورد.

فصل سوم: موسیقی شعر



درس ۱۴: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی

درس ۱۵: هماهنگی پاره‌های کلام

درس ۱۶: قافیه

درس ۱۷: وزن شعر فارسی

درس ۱۸: پایه‌های آوایی شعر

درس ۱۹: پایه‌های آوایی همسان (۱)

درس ۲۰: پایه‌های آوایی همسان (۲)

درس ۲۱: پایه‌های آوایی همسان (۳)



در تمامی جوامع بشری، شعر و موسیقی بزرگ‌ترین عامل برای برانگیختن حسن و حال عاطفی به کار می‌روند. جاذبه‌هایی که آدم را به گفتن شعر وادار می‌کند، همان عواملی هستند که آدمی را به جست‌وجوی موسیقی می‌کشاند. عاطفه انسانی در حالت‌هایی مانند اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب نمود پیدا می‌کند. شاعر با سرودن شعر، این حالت‌ها را به مخاطبان خود منتقل می‌کند.

وزن و آهنگ

از آن‌جا که اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است و شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران نیاز به ابزارهای لازم دارد، از زبان کمک می‌گیرد و سعی بر آن دارد طوری زبان را به کار ببرد که به هدف خود و انتقال عاطفه دست یابد. بهترین وسیله جهت برقراری این ارتباط و انتقال عاطفه، توجه به وزن و آهنگ شعر است. طرز قرار گرفتن واژگان در کنار هم، گاهی طوری تولید موسیقی می‌کند که آهنگی خاص را پدید می‌آورد و موجبات برانگیختن شادی، امید، حیرت و ... را در خواننده و مخاطب خود فراهم می‌آورد.

پس از عاطفه، وزن و آهنگ شعر مهم‌ترین و مؤثرترین عامل اثرگذار روی مخاطبان است. به عنوان مثال، در نمونه زیر، وزن و آهنگ کوتاه، کوبنده، ضربی و تند، بار حماسی شعر را بسیار غنی می‌سازد و نوعی هماهنگی بین وزن و آهنگ با محتوا برقرار می‌کند؛ به عنوان مثال، در ابیات زیر از شاهنامه فردوسی، وزن و آهنگ کوبنده، کوتاه و تند، فضای حماسی شعر را پررنگ‌تر ترسیم کرده و خواننده را با خود همراه می‌کند.

«خروش آمد و ناله کَرَنای	دم و نای رویین و هندی درای
زمین آمد از سُم اسپان به جوش	به ابر اندر آمد فغان و خروش
چو برخاست از دشت، گرد سپاه	کس آمد بر رستم از دیدگاه
که آمد سپاهی چو کوه گران	همه رزمجویان کند آوران
ز تیغ دلیران هوا شد بنفش	برفتند با کاپوانی درفش
برآمد خروش سپاه از دو روی	جهان شد پر از مردم جنگجوی

(فردوسی)

چنان‌که مشاهده می‌کنیم، وزن کوتاه و کوبنده و مناسب به‌گونه‌ای انتخاب شده است که بار حماسی این شعر را خیلی غنی‌تر از حد انتظار نشان داده است؛ این لحن حماسی و وزن کوبنده حاصل تلاش فردوسی در گزینش واژگان حماسی و نحوه چیدن آن‌ها در کنار هم و انتخاب وزن متناسب با فضای ماجراست.